

شناسایی زمینه‌های اخلاق در مقاومت اقتصادی از ره‌گذر فساد اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۹

عبدالعظیم قربانی*
رضا رنجبران**

چکیده

بندهای نوزدهم، بیست و دوم و بیست و سوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و امثال آن، به مسئله مهم امنیت و سلامت اقتصادی که از عناصر زمینه‌ساز رشد اقتصادی شمرده می‌شوند اشاره می‌کنند. فساد اقتصادی یکی از مهمترین عوامل بر هم‌زننده امنیت و سلامت اقتصادی شمرده می‌شود و در شرایطی که توجه دشمن معطوف به نقاط ضعف اقتصادی کشور است این مسئله می‌تواند باعث تزلزل و کاهش مقاومت اقتصادی کشور در جنگ اقتصادی شود. از سویی در صورتی که فساد اقتصادی از راه کانال‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی به وقوع بپیوندد، این مشکل دوچندان خواهد بود زیرا از راه تضعیف ساختار درونی اقتصاد کشور، مقاومت اقتصادی کشور را در برابر تکان‌های داخلی و خارجی آسیب‌پذیر می‌سازد؛ بنابراین لازم است با موشکافی علل و عوامل وقوع فساد اقتصادی، درگاه‌های پدید آمدن مفاسد را شناخته و جهت رویارویی با آن اقدام جدی صورت گیرد. رویکرد مقاله پیش‌رو تحلیل کیفی بوده و با استفاده از مطالعه‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، چارچوبی نظری جهت تحلیل زمینه‌های وقوع فساد اقتصادی، به تحلیل این زمینه‌ها و روابطی که در این باره وجود دارد پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، فساد اقتصادی، زمینه‌های فرهنگی، زمینه‌های اقتصادی، زمینه‌های سیاسی، زمینه‌های حقوقی.

طبقه‌بندی JEL: D73, D72, K14

*. دانشجوی دکترای معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول).

Email: ab.az.ghorbani@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (نویسنده).

Email: reza.ranjbaran1992@gmail.com

مقدمه

مبارزه با فساد و سالم‌سازی فضای اقتصادی، اصلی مهم در هر نظام اقتصادی شمرده می‌شود. فساد اقتصادی، از راه به انحراف‌کشاندن هدف‌ها، مانع رشد و پیشرفت کشور می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

با فساد مبارزه جدی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه جدی بشود، با قاچاق مبارزه جدی بشود؛ این‌ها دارد به اقتصاد کشور لطمه می‌زند و ضررش را مردم می‌برند. اگر ما در برابر آن مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدویست‌هایی در زمینه مسایل اقتصادی ویژه‌خواری می‌کنند، خودشان را از امتیازات ویژه برخوردار می‌کنند یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی می‌شوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود. البته در مقام بیان و در روزنامه‌ها و جنجال و به‌ویژه با جهت‌گیری‌های سیاسی، حرف‌های قشنگ خوبی زده می‌شود اما این‌ها فایده‌ای ندارد. حالا یک مجرم اقتصادی را مثلاً فرض کنیم دستگیر کردند، روزنامه‌ها درباره‌اش بنویسند و عکس و تفصیلات و کارهایی مانند این‌ها را با هدف‌های جناحی و سیاسی بکنند، این‌ها فایده‌ای ندارد؛ دو صد گفته چون نیم کردار نیست. باید جلوی آن فساد را که امروز ممکن است پیش بیاید بگیرند و مانع فساد بشوند. قاچاق همین جور است؛ مانع قاچاق بشوند، باید با قاچاق، به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱).

آثار مخرب فساد اقتصادی بر رشد و پیشرفت اقتصادی کشور باعث شد رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرمانی هشت ماده‌ای راه‌کارهای مناسبی جهت رویارویی با آن ارائه کنند. عدم تسامح در مبارزه با فساد و قاطعیت در این باره، پافشاری بر آماده‌شدن اقتصاد برای کار، کوشش و سرمایه‌گذاری در صورت سالم‌سازی فضا، استفاده از افراد پاک و مطمئن در امر مبارزه با فساد، حرکت بر راه عدالت و دقت جهت عدم مساوی‌دانستن افراد صالح و فاسد، لزوم همکاری نهادهای نظارتی و قضایی، عدم تبعیض و برخورد شعاری در مبارزه با فساد از جمله مهمترین نکته‌های بیان‌شده در فرمان هشت ماده‌ای شمرده می‌شود.

از سویی در بندهای نوزدهم، بیست و دوم و بیست و سوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز به عامل فساد اقتصادی به‌عنوان عاملی که از راه آسیب‌پذیر ساختن اقتصاد کشور

در برابر تکانه‌های داخلی و خارجی باعث کاهش مقاومت اقتصادی کشور می‌شود اشاره شده است. در بند نوزدهم آمده است: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...». براساس بند بیست و دوم نیز دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای هم امکانات کشور، این اقدام‌ها را معمول دارد: مدیریت مخاطره‌های اقتصادی از راه تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطره‌ها و اختلال‌های داخلی و خارجی. بند بیست و سوم نیز به این امر اشاره می‌کند: «شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار». فساد اقتصادی نتیجه یک‌سری عوامل و زمینه‌های پیشین است که نقش زمینه‌سازی را جهت وقوع آن ایفا می‌کند. این زمینه‌ها می‌توانند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یا حقوقی باشند. شناسایی زمینه‌های وقوع فساد اقتصادی مهم‌ترین گام در مبارزه با آن شمرده می‌شود. در مقاله پیش‌رو پس از بررسی پیشینه پژوهش، مبانی نظری مرتبط با موضوع بحث و تبیین می‌شود و پس از آن، زمینه‌های وقوع فساد اقتصادی و مؤلفه‌های اثرگذار آن‌ها بررسی شده و سرانجام جمع‌بندی از بحث موردنظر ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

با جست‌وجویی که در پیشینه مطالعه‌ها در حوزه فساد اقتصادی و به‌ویژه درباره اقتصاد مقاومتی صورت پذیرفت، پژوهش مشابهی در موضوع و ایده مورد بحث در مطالعه پیش‌رو یافت نشد. درباره بحث‌های مربوط به آثار فساد و چگونگی رویارویی با فساد برخی مقاله‌ها یافت شده به شرح ذیل است:

اسحاقی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران» باور دارد فساد اقتصادی- سیاسی و سوءاستفاده از قدرت برای به‌دست آوردن ثروت یا قدرت بیشتر به طرز مرموز و نگران‌کننده‌ای به یکی از مهمترین معضلات جامعه تبدیل شده است. فساد مالی، انگیزه کار و تولید را تضعیف و خلاقیت‌ها و نیروهای تولیدکننده را به سوی کجی و ناراستی می‌کشاند. در این حال، منابع ثروت، آموزش و قدرت انحصاری می‌شوند و تبعیض و فساد، کم‌کاری، رشوه‌خواری و ملاحظه‌ضابطه به جای رابطه، عزل‌ونصب‌های

خارج از ضابطه و ... جامعه را فرا می‌گیرد. مقاله پیش‌رو در پی آن است که با مفهوم‌شناسی دقیق رانت و رانت‌جویی و شناسایی زمینه‌های بروز آن و بررسی انواع مفسد اقتصادی راه‌کارهای رویارویی با آن‌ها را شناسایی کند.

راغفر (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی فساد» باور دارد فساد در شکل‌های گوناگون آن دارای تأثیراتی مخرب بر نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی سپس چگونگی تخصیص منابع اساسی و از این راه بر توسعه اقتصادی ملت‌ها و رفاه نسل‌های آتی آن‌هاست. اقتصاد انگلی و شکل‌های گوناگون آن از جمله ویژگی‌های اقتصادهای متکی به عواید منابع طبیعی مانند درآمدهای نفت و گاز است. اقتصاد نفتی ظرفیت‌های عمده‌ای را نیز برای فساد فراهم می‌سازد که از جمله آن‌ها قراردادهای نفتی است. انتظاری‌هایی که از خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از سازوکارهای حل مشکلات اقتصادی می‌رود به علل گوناگون مانند کارگزاری و فقدان نهادهای ضروری برای حفظ منافع عمومی و تعادل و توازن اجتماعی به ثمر نخواهد نشست و چه‌بسا آثار و تبعاتی جبران‌ناشدنی برای جامعه در پی داشته باشد.

مشفق (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی فساد اداری و اقتصادی در ایران» بیان می‌کند که فساد اداری در ایران تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با دیگر کشورها دارد و چگونگی اصلاح ساختارهای تولیدکننده فساد در جامعه ایران بسیار پیچیده‌تر از دیگر کشورهاست. وی در مقاله پیش‌گفته ابتدا موضوع فساد را از دیدهای گوناگون بحث کرده، سپس به عوامل اداری و حقوقی اثرگذار در پدیدآمدن فساد اشاره کرده و در پایان نیز مؤلفه‌های اثرگذار بر فساد اداری تحلیل شده است.

جعفرپور صادق و عدالت‌جو (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «فساد مالی و راه‌کارهای پیش‌گیری از آن» باور دارند امروزه فساد مالی صاحبان مقام و قدرت در سطح داخلی کشورها و نیز در سطح جهانی، به چالش اساسی در جوامع بشری تبدیل شده است. گوناگونی مصداق‌های فساد مالی از یک‌سو و عواقب مخرب آن در نظام اقتصادی کشورها از سوی دیگر، بر اهمیت توجه به این جرم و راه‌کارهای پیش‌گیری و مبارزه با آن می‌افزاید. تشکیل کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، از اقدام‌های دولت‌ها برای مبارزه با این پدیده در سطح بین‌المللی است اما توجه به راه‌کارهای پیش‌گیری از فساد در سطح داخلی کشورها نیز بسیار مهم است؛ بنابراین توجه به پیش‌گیری وضعی، اجتماعی و زودرس

از جرم فساد مالی در حقوق داخلی خالی از فایده نیست. این امر موضوعی است که در مقاله پیش‌گفته پس از ارائه شناختی مختصر از مفهوم فساد مالی، به آن پرداخته سپس راه‌کارهایی برای مبارزه با این امر ارایه می‌شود.

جعفریه و طاهرپور کلانتری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر پیش‌گیری از تمایل بر وقوع تخلفات مالی در سازمان امور مالیاتی کشور» شناسایی عوامل اثرگذار بر تمایل به فساد مالی در سازمان مالیاتی شهر تهران را هدف اصلی خود در مقاله قرار داده‌اند. روش پژوهش آن‌ها در مطالعه پیش‌گفته از نوع توصیفی، اکتشافی، کاربردی و میدانی بوده و جامعه آماری در آن شامل تمام کارکنان سازمان امور مالیاتی شهر تهران است. آن‌ها سرانجام پنج عامل اصلی اثرگذار بر تمایل به فساد مالی کارکنان سازمان را عواملی مانند عدم شایسته‌سالاری، عدم شفافیت، توجه به دین، ارزش‌ها و قانون، نظام تنبیه و مجازات و رابطه‌مندی معرفی کردند. نتیجه‌های به‌دست‌آمده از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد به ترتیب، عوامل شایسته‌سالاری، عدم شفافیت، نظام تنبیه و مجازات و رابطه‌مداری بیشترین اثر را روی تمایل به فساد مالی دارند.

فرهمند معین و زرننگ (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه فساد اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی» با تبیین پیامدهای گسترده فساد اقتصادی در سه حوزه نهادها و ساختارها، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی، جایگاه و اهمیت مقوله فساد اقتصادی در تحقق یک الگوی اقتصاد مقاوم را تشریح کرده‌اند. آن‌ها پس از ارائه تصویری جامع از جایگاه و وضعیت فساد اقتصادی، علل فساد اقتصادی را بررسی کرده‌اند و در پایان نیز مهمترین دلایل و چالش‌های مبارزه با فساد در ایران با استفاده از تجربه‌های گذشته بیان شده است.

رحمانی و اصفهانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد با تأکید بر ترکیب فعالیت‌های اقتصادی، مطالعه کشورهای در حال توسعه» در پی بررسی اثر ترکیب فعالیت‌های اقتصادی بر روی فساد هستند. به همین منظور برای تعریف ترکیب فعالیت‌های اقتصادی از دو متغیر نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی و نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به تولید ناخالص داخلی استفاده کرده‌اند. در این بررسی از هفت متغیر فساد، اندازه دولت، دموکراسی، درآمد سرانه، تورم، نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی و نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به تولید

ناخالص داخلی استفاده شده است. نتیجه تحقیق از آن حاکی است که متغیرهای دموکراسی و درآمد سرانه اثر معکوس بر فساد دارند و افزایش آن‌ها باعث کاهش فساد خواهد شد. هم‌چنین، افزایش اندازه دولت و افزایش تورم باعث افزایش فساد می‌شود. از سویی افزایش سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی باعث کاهش فساد شده است و افزایش سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی به افزایش فساد خواهد انجامید.

سپهر دوست و برجیسیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر متغیرهای زمینه‌ای دموکراسی بر کنترل فساد اقتصادی؛ با تأکید بر حقوق مالکیت» پس از شناسایی پدیده فساد در تحلیلی تعادل عمومی به بررسی وابستگی آن به برخی متغیرهای اثرگذار اقتصادی، سیاسی مانند نابرابری درآمد و حمایت از حقوق مالکیت با پافشاری بر مقوله دموکراسی پرداخته‌اند. آن‌ها برای این منظور از داده‌های سری زمانی تابلویی شامل ۵۳ کشور منتخب و سال‌های ۱۹۹۶م تا ۲۰۱۳م، استفاده کرده‌اند. نتیجه‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که دموکراسی اثر منفی معناداری بر فساد دارد. هم‌چنین حقوق مالکیت، نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری رابطه منفی معناداری با فساد دارند. به عبارت دیگر افزایش این متغیرها باعث کاهش فساد در اقتصاد شده است. از سوی دیگر ضریب جینی و بی‌ثباتی سیاسی رابطه مثبت معناداری با شاخص فساد دارند. به طور کلی، بروز نابرابری‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی، پایه‌های گسترش دموکراسی را ضعیف و زمینه‌های فساد در جامعه را فراهم می‌آورد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقاله‌های پیش‌گفته، بیشتر با رویکرد بررسی راه‌کارهای رویارویی با مفاسد اقتصادی نگاشته شده‌اند. از سویی، مطالعه‌هایی که به زمینه‌ها و علل وقوع مفاسد اقتصادی پافشاری کرده‌اند با نگاه تک‌بعدی و بدون ملاحظه عوامل و زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... نوشته شده‌اند. در مقاله پیش‌رو، ضمن بررسی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی در شمای کلی و نگاهی همه‌جانبه، کوشیده شده است رویکردی جدید نسبت به بررسی مفاسد اقتصادی برگزیده شود.

مبانی نظری فساد اقتصادی

۱. تعریف فساد و انواع آن

تعریف متعارف فساد که بانک جهانی نیز بر آن صحنه می‌گذارد عبارت است از کوشش‌هایی برای حفظ ثروت و قدرت از راه وسایل و ابزارهای قانونی و به‌دست آوردن منافع در ازای واردآوردن هزینه‌های گوناگون برای جامعه (مشفق، ۱۳۸۹، ص ۷).

فساد در حالت کلی به سه نوع، فساد مالی و اقتصادی، فساد اداری و فساد سیاسی تقسیم می‌شود (رهبر، میرزاوند و زال‌پور، ۱۳۸۱). فساد اداری نیز یکی از اقسام فساد مالی و اقتصادی شمرده می‌شود؛ اما ارتباط فساد سیاسی و فساد اداری تا حدودی مبهم و نامشخص است (همان، ص ۱۵). فساد اداری که به آن فساد مالی سطح پایین یا سطح خیابانی گفته می‌شود، همان است که شهروندان هر روز در برخورد با مدیران عمومی، گمرک، مراکز مالیاتی و ... آن را تجربه می‌کنند. مبالغ مربوط به این نوع فساد معمولی یا جزئی نامیده می‌شود. از جمله فرم‌های فساد اداری می‌توان به اختلاس، کلاه‌برداری، پارتی‌بازی، بی‌عدالتی، باج‌خواهی، سرقت اموال و دارایی‌های سازمان، فروش اطلاعات محرمانه و ... اشاره کرد (صبوری‌کاشانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱-۲۴۷).

۲. مصداق‌های فساد اقتصادی

در این بخش برخی از مهمترین مصداق‌های رایج فساد اقتصادی بیان می‌شود؛ نکته‌ای که درباره این مصداق‌ها باید در نظر گرفت این است که این مفاصد می‌تواند در سطح مدیران عالی‌رتبه، مدیران خرد، افراد ثروتمند و پرنفوذ و شهروندان رخ دهد. زمانی که در اقتصادی انواع و اقسام زمینه‌های فساد وجود داشته باشد و در مبارزه با آن نیز ناتوان بماند، در آن صورت است که فساد در سطوح عالی به پایین‌تر نیز منتقل شده و تمام دستگاه حاکمیتی و به‌تبع آن جامعه را نیز آلوده می‌سازد. البته در بین مصداق‌های فساد اقتصادی نیز تفاوت وجود دارد به‌طوری که برخی اهمیت و تخریب‌کنندگی بیشتری دارند.

الف) اخلال در نظام اقتصادی کشور

براساس قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، ارتکاب هر یک از اعمال پیش‌گفته در بندهای ذیل جرم شمرده می‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

۱. اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از راه قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل

اسکناس یا واردکردن یا توزیع کردن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن؛

۲. اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از راه گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا دیگر

نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های یادشده و پیش‌خرید فراوان

تولیدهای کشاورزی و دیگر تولیدهای موردنیاز عامه و امثال آن‌ها به‌منظور پدیدساختن

انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها؛

۳. اخلال در نظام تولیدی کشور از راه سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی

و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدهای مربوط درباره آن یا رشاء و ارتشاء عمده در

امر تولید یا دریافت مجوزهای تولیدی در مواردی که باعث اختلال در سیاست‌های تولیدی

کشور شود و امثال آن‌ها؛

۴. هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگر چه به

خارج کردن آن نینجامد قاچاق شمرده شده و تمام اموالی که برای خارج کردن از کشور در

نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌شود؛

۵. وصول وجوه کلان به‌صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان

مضاربه و مانند آن که باعث حیف‌ومیل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود؛

۶. اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت مانند تقلب

در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و ...

۷. تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به‌منظور کسب درآمد

ناشی از افزایش اعضا به‌طوری که اعضای جدید جهت منفعت، افراد دیگری را جذب کرده و

توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد (قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور).

ب) اختلاس

اختلاس به لحاظ حقوقی عبارت است از برداشت وجوه، مطالبه‌ها یا حواله‌ها، سهام و اوراق

بهادار و دیگر اموال متعلق یا در اختیار اشخاص از سوی کارمندان دولت و دیگر سازمان‌ها

به نفع خود یا دیگری. هر گاه کارمند دولت از وجوهی مانند سپرده، وجه‌الضمان و مانند

آن‌ها که به‌طور موقت در اختیار سازمان دولتی قرار گرفته است و پس از انقضای مدت معین

یا حصول شرایط خاص باید به طرف مسترد شود، بدون رضایت صاحب وجه برداشت و تصاحب کند، مرتکب اختلاس شده است. هم‌چنین هر گاه کارمند بانک دولتی با علم به صوری بودن فاکتورهای ارائه‌شده از سوی مشتری، تسهیلاتی را در قالب عقود اسلامی در اختیار وی قرار دهد، مرتکب اختلاس شده است (قربانی، ۱۳۹۵).

ج) تبانی در معاملات دولتی

در معامله‌های دولتی که مستلزم رعایت و انجام پروسه طولانی مناقصه می‌باشد، تبانی ممکن است بین کارگزاران دستگاه اجرایی با مناقصه‌گران یا بین مناقصه‌گران با هدف‌های متفاوت رخ دهد. در این چارچوب، تبانی را توافق شرکت‌کنندگان در مناقصه با کارگزاران دولتی برای به‌دست آوردن امتیاز انعقاد قرارداد تعریف می‌کنند (ناعمه، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

د) گرفتن پورسانت

پورسانت عبارت است از درصدی از قیمت کالای مورد معامله یا درصدی از سود معامله یا مبلغ معین کالا یا سند پرداخت یا امتیاز که به شکل‌های گوناگون زیر عناوینی مانند حق کمیسیون، هدیه و پاداش به‌وسیله فروشنده به خریدار واقعی یا نماینده وی و برای تشویق و جلب مشتری و رقابت با دیگر تولیدکنندگان پرداخت می‌شود (آذری‌متین، ۱۳۸۵، ص ۲).

ه) رشوه

رشوه عبارت از وجهی (نقدی یا جنسی) است که در یک رابطه آلوده و فاسد، داده یا گرفته می‌شود. رشوه می‌تواند به‌صورت یک مبلغ ثابت، درصدی مشخص از یک قرارداد یا هر گونه وجه یا امتیاز دیگری از نوع پول که بیشتر به یک مقام دولتی که می‌تواند قراردادها را از طرف دولت منعقد یا منافع را بین شرکت‌ها، افراد، تاجران و مراجعه‌کنندگان توزیع کند، پرداخت می‌شود رشوه و سوءاستفاده از موقعیت شغلی، وجه اشتراک اغلب تعریف‌های ارائه‌شده درباره فساد دستگاه‌های دولتی را تشکیل می‌دهند از دیدگاه صاحب‌نظران کشورهای در حال توسعه نیز رشوه و کمک‌های خارجی مهم‌ترین سهم را در فساد مالی ایفا می‌کند (شکوری، ۱۳۹۷، ص ۳۴).

و) دیگر مصداق‌ها

دیگر مصداق‌های مهم فساد اقتصادی عبارت هستند از: کلاه‌برداری، تحصیل مال از راه نامشروع، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، منظورداشتن نفعی برای خود یا دیگری،

تصدی بیش از یک شغل، مداخله کارکنان دولت در معامله‌های دولتی، تضييع اموال و وجوه دولتی، تصرف غیرمجاز در اموال و وجوه دولتی، جلوگیری از اجرای قانون، خیانت در امانت، جعل و تزویر، فرار مالیاتی (قربانی، ۱۳۹۵).

نظام سرمایه‌داری و زمینه مبادله، نقطه شروع انحراف

یکی از ویژگی‌های مهم نظام سرمایه‌داری آن است که به علت پافشاری بر ضرورت دنبال کردن نفع و فایده در هر عملی هر چند غیراقتصادی، جامعه را طوری سامان می‌دهد که تمام روابط در نوعی زمینه مبادله‌ای قرار می‌گیرد. یکی از پیامدهای جدی سرمایه‌داری که ساختار اقتصاد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد جذب سرمایه به سمتی است که در اصطلاح سودآوری و ارزش‌افزوده بیشتری داشته باشد و این خود تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود را در پی دارد (سعیدی، قربانی و صفوی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۵). جامعه غرب در طول دوران گوناگون تحت تأثیر این فرهنگ پیش‌گفته شکل گرفته است؛ به طوری که اکنون و در دنیای مدرن می‌توان ادعا کرد نفع و فایده‌گرایی و به بیان بهتر اندیشه اقتصادی تمام ارکان این جامعه را در بر گرفته است.

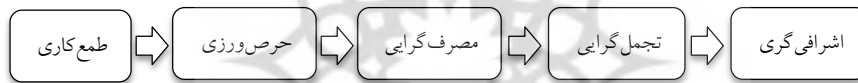
در نگاه متعارف، اقتصاد را در کنار سیاست و فرهنگ از ارکان جامعه معرفی می‌کنند؛ در حالی که نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد در چنین جوامعی اقتصادمحور تمام ارکان جامعه از جمله سیاست و فرهنگ است. در این چارچوب خانواده، علم و فناوری، روابط سیاسی بین‌الملل و حتی کمک‌های خیرخواهانه درباره مبادله تعریف می‌شوند؛ برای مثال، درس‌خوان برای کسب مدرک، کمک به دیگران جهت کسب اعتبار، ازدواج جهت استفاده زوجین از درآمد طرفین از جمله آثار این رویکرد شمرده می‌شود. انباشت سرمایه مبتنی بر سوداگری، انبوه‌سازی و نیازسازی کاذب جهت یافتن بازار مصرف و هضم مناسبت‌های گوناگون اجتماعی در بستر بازار و مبادله (همه چیز در خدمت اقتصاد حتی علم) جهت سامان اجتماعی سرمایه‌مدارانه از جمله عملکردهای نظام سرمایه‌داری است که با هدف‌ها و عملکرد اسلام تعارض دارد (مقصودی و ولدان، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵).

۱. اقتضائات فرهنگی نظام سرمایه‌داری، زمینه‌ساز انواع مفاسد

هر چند عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر عوامل می‌تواند سرچشمه تحول‌ها در جامعه باشند اما در نگاه اسلامی، فرهنگ به معنای هوایی که در جامعه تنفس می‌شود، مهم‌ترین

رکن در تحول‌های اجتماعی شمرده می‌شود که اثرهای خود را در دیگر ارکان از جمله اقتصاد و سیاست نیز ظاهر می‌سازد؛ بنابراین رکن فرهنگی مهمترین بخش در فرایند استقرار نظام‌های گوناگون از جمله نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری و دیگر نظام‌هاست. سیاست‌های اقتصادی و نهادهای نظام سرمایه‌داری فقط گویای سطح تحقق‌یافته این نظام شمرده می‌شود اما در نگاهی عمیق‌تر می‌توان به اقتضائات و پیوست فرهنگی هر کدام از سیاست‌ها پی برد؛ از سویی می‌توان گفت، فرهنگ بستری است که تمام رفتارهای پایدار اجتماعی در درون آن صورت می‌گیرد. در حقیقت، رفتارهای پایدار انسان نتیجه فرهنگ خاصی است که دارد (موسایی، ۱۳۸۸، ص ۴)؛ بنابراین این پیوست‌های فرهنگی اثر مستقیمی بر رفتار انسان‌ها در دیگر حوزه‌ها دارد. جنس این عوامل فرهنگی یا به بیان دقیق‌تر ضدفرهنگی، طوری است که وقوع فساد را تضمین می‌کند. برخی از این عوامل که در نتیجه تثبیت زمینه مبادله‌ای در جامعه و پافشاری بر نفع و فایده به‌عنوان محور تمام رفتارهای اصیل انسانی پدید می‌آید عبارت هستند از:

شکل ۱: زمینه‌های فرهنگی زمینه‌ساز فساد اقتصادی



تقویت طمع و حرص پایان‌ناپذیر در نتیجه تسلط پارادایم نفع و زمینه مبادله در جامعه و شئون گوناگون زندگی افراد به‌ویژه شأن اقتصادی، جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ سرمایه‌داری شمرده می‌شود. خروجی چنین روحیه‌ای سرانجام مصرف انواع کالاهای اقتصادی و فرهنگی به فرد تحمیل می‌کند. مصرف روزافزون و متنوع از جهت کمی و کیفی مانند چرخی است که ماشین نظام سرمایه‌داری را به حرکت درمی‌آورد و از الزام‌های رونق اقتصادی شمرده می‌شود؛ بنابراین فرهنگ سرمایه‌داری از راه تبلیغات وسیع، ترویج این رویکرد را در دستور کار خود قرار می‌دهد. در اثر تحقق فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری خواه-ناخواه به‌طور اثرگذار، گریبان بخشی از مردم را خواهد گرفت. الگوی مصرفی که خانوارهای جامعه پیروی می‌کنند بر اقتصاد ملی اثرگذار است. متأسفانه آنچه بر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی تأثیرگذاری شگرفی داشته است، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری است که از جوامع مدرن گرفته شده است؛ بنابراین الگوی مصرفی متجملانه و مسرفانه، غیرهدفمند و غیرمرتبط با اولویت‌بندی نیازهای واقعی از مسائلی است که سبک زندگی کشور را با تهدید روبه‌رو ساخته

است. این الگوی عاری از عنصر مقاومت است و با وابستگی شدیدی که به واردات پیدا کرده، اقتصاد را با شکنندگی روبه‌رو کرده است. (مقصودی و ولدان، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲).

در این میان، طیف‌های گوناگون مردم اعم از افراد کم‌درآمد، افراد با درآمد متوسط و ثروتمندان، هر کدام براساس شأن و مرتبه‌ای که برای خود قائل شده‌اند، پذیرش وضعیت پیشین خود را ناگوار دانسته و در چنین حالتی رفاه خود را از دست‌رفته می‌بینند اما از طرفی درآمد آن‌ها پاسخ‌گوی میل پایان‌ناپذیر و روزافزون آن‌ها به مصرف نیست؛ بنابراین تحمیل فشار اقتصادی به مردم و عدم رضایت به ثروت‌های هنگفت در اقبال ثروتمند، باعث می‌شود از راه‌های غیرطبیعی و انحرافی یا به بیان واضح‌تر فساد انگیز این بخش از نیاز مالی را تأمین کنند؛ بنابراین ابداع روش‌های پیچیده مالی، بانکی و بازرگانی از سوی افراد گوناگون به‌منظور دور زدن قانون و کسب ثروت‌های نجومی و کسب سود و منفعت اقتصادی بیشتر، طبیعی به‌نظر می‌رسد و همین عامل می‌تواند ریشه و زمینه‌ساز اصلی انواع روابط و رفتارهای فسادزا شمرده شود.

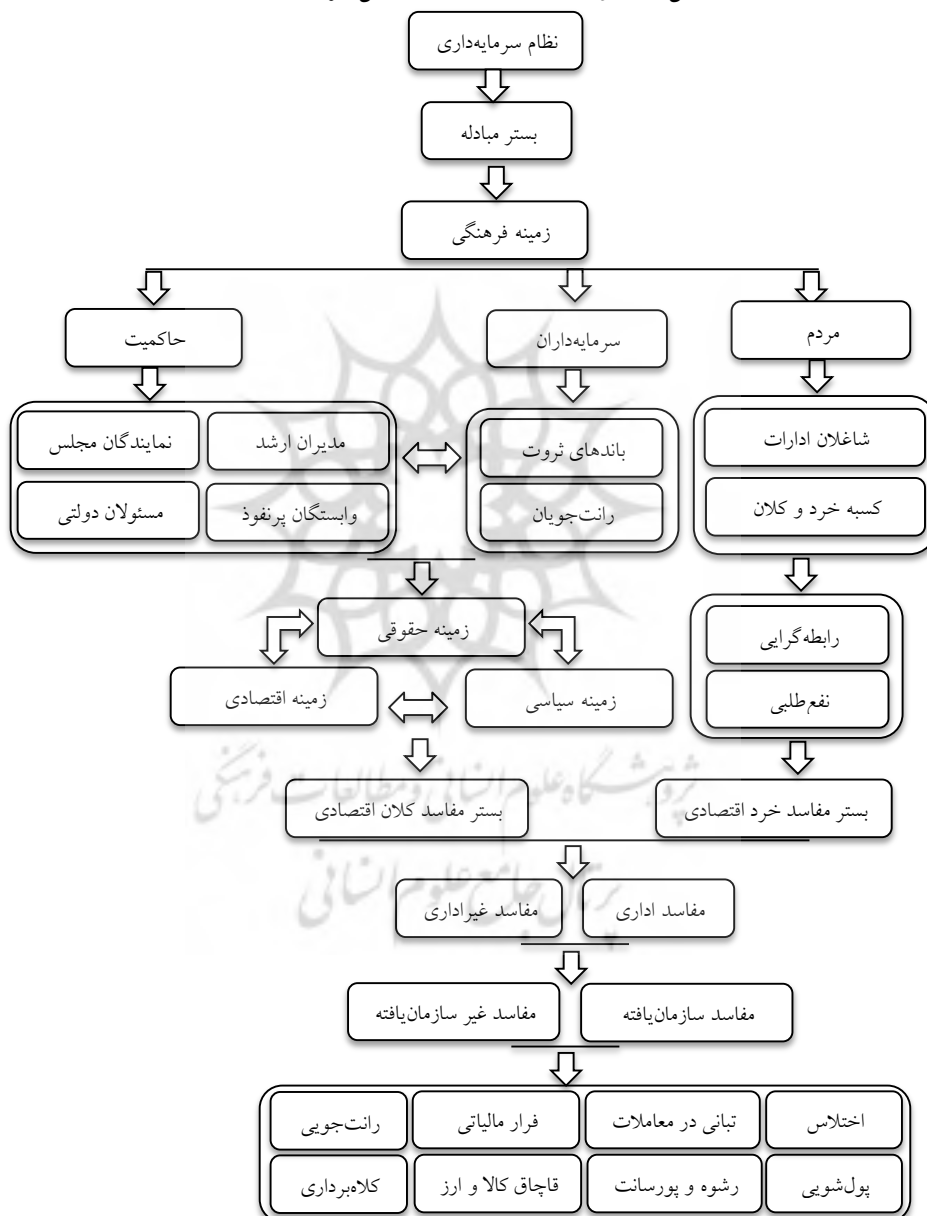
۲. الگوی شماتیک زمینه‌های دیگر شکل‌گیری فساد اقتصادی

با توضیح‌هایی که درباره اقتضانات فرهنگی نظام سرمایه‌داری و زمینه مبادله در شکل‌دهی زمینه‌های فرهنگی فساد اقتصادی بیان شد، پیش از پرداختن به دیگر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی شکل‌گیری فساد اقتصادی، جهت شناخت جایگاه عوامل گوناگون شکل‌گیری فساد، الگوی شماتیک ذیل تبیین خواهد شد.

فضای فرهنگی شکل‌گرفته ناشی از نظام سرمایه‌داری، مردم، سرمایه‌داران و مسئولان حاکمیتی را متأثر می‌سازد اما اثرپذیری هر قشر از این وضعیت با یکدیگر متفاوت است. مسئولان حکومتی اعم از نمایندگان مجلس، مسئولان و مدیران دولتی و به‌تبع آن‌ها وابستگان پرنفوذشان، تحت تأثیر فرهنگ سرمایه‌داری، ممکن است با سوءاستفاده از موقعیت ویژه خود با تدارک یک زندگی اشرافی و مترفانه جهت ارتقای روزافزون سطح زندگی به اعمال خلاف قانون و مفسدانه روی آورند. از طرفی، در کنار این طیف باندهای ثروت و رانت‌جویان سرمایه‌دار می‌توانند از راه ارتباط فساد انگیز با مسئولان جهت کسب رانت‌های گوناگون و به‌تبع آن ثروت‌های هنگفت در پدیدآمدن مفساد اقتصادی با سوءاستفاده از زمینه‌های مناسب سیاسی، اقتصادی و حقوقی نقش به‌سزایی داشته باشند. هم‌چنین عموم مردم که یا صاحب مشاغل اداری یا کسبه آزاد شمرده می‌شوند تحت تأثیر فرهنگ سرمایه‌داری، با حرص و ولع جهت دورنماندن از رقابت سوداگرانه مسئولان و سرمایه‌داران از چپاول اموال ملی، از راه‌های گوناگون از جمله رابطه‌گرایی، سوءاستفاده

از وضعیت موجود، کلاه‌برداری و ... می‌کوشند منافع شخصی خود را بیشینه کنند؛ بنابراین فرایندی که مفسد کلان و خرد اداری و غیراداری به صورت سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته رخ می‌دهد سرانجام وقوع فساد در قالب مصداق‌های پیش‌گفته را تضمین می‌کند.

شکل ۲: الگوی شماتیک زمینه‌های شکل‌گیری فساد اقتصادی



۳. دیگر زمینه‌های شکل‌گیری فساد اقتصادی

درباره زمینه‌های شکل‌گیری فساد می‌توان گفت فساد مجموعه‌ای است از عوامل گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی که در کنار یکدیگر زمینه را برای وقوع مفاسد فراهم می‌سازند. در ذیل بخشی از این عوامل بررسی شده‌اند:

الف) زمینه‌های سیاسی فساد اقتصادی

۱. دوگانگی نظری و عملی در بین قوای حاکمیتی: در صورتی که ارکان حاکمیت مانند: دستگاه اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی و به تبع آن روابط و ضوابط مربوط به هر یک دارای ابزارهای لازم جهت تعادل بین قوا به‌منظور نظارت قوا بر یکدیگر و جلوگیری از هر گونه زیاده‌روی وجود نداشته باشد دوگانگی یا چندگانگی در تصمیم‌های حاکمیت، پدید آمده و وحدت رویه را مورد خدشه جدی قرار می‌دهد. این مسئله از حیث اقتصادی بسیار مهم است چرا که برای مثال، اگر به‌صورت دقیق و شفاف مشخص نباشد وظیفه طرح‌ریزی بودجه با دولت است یا با مجلس؟ این مسئله می‌تواند باعث شود در تدوین برنامه بودجه هر کدام منافع گروهی یا حزبی خود را در نظر بگیرند یا در صورت صالح‌بودن مسئولان این تعارض در تدوین بودجه خود را در مقام اجرا نشان می‌دهد و زمینه‌ساز فساد می‌شود (زنوز، ۱۳۹۵).

۲. نقص در ارکان بوروکراسی و بدنه مدیریتی و اجرایی: این مورد که خود می‌تواند برگرفته از عدم توازن و تعادل بین قوا باشد خود زمینه‌ای جدی در شکل‌گیری مفاسد اقتصادی است. بوروکراسی به معنای تقسیم کار دوایر دولتی است؛ به این معنا که تخصص و کارشناسی مهم بوده و تصمیم‌های سیاستی و سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر فرایند و سازوکار تخصصی و عقلانی صورت بپذیرد (همان). هر جا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پرهزینه، وقت‌گیر و تحمیل‌کننده هزینه مبادله باشد، عقلانیت اقتصادی، کارگزاران اقتصادی را به سمت روش‌های کم‌هزینه‌تر و راه کوتاه‌تر که همان فساد و تغییر قاعده بازی است سوق می‌دهد (میری‌آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴). بالاترین درجه فساد بوروکراتیک این است که به‌علت ضعف در قوانین حقوقی که به آن اشاره می‌شود فساد در آن قانونی شود و دیگر قابل پیگیری نباشد (زنوز، ۱۳۹۵). مواردی از جمله عدم رعایت شایسته‌سالاری در پست‌های کلیدی به‌ویژه در بخش‌ها و سازمان‌های اقتصادی که خود مهملی برای شکل‌گیری فساد هستند، دستگاه عریض و

طویل اداری، عدم تأمین مالی مناسب کارمندان و مدیران، عدم نظارت درونی و بیرونی صحیح بر فرایندها، عدم شفافیت فرایندهای اداری، موازی کاری، افراط در سلسله مراتب اداری، استفاده از نظام‌های اداری فرسوده، قوانین دست‌وپا گیر و فرسوده اداری، مدیران برخی دستگاه‌ها ممکن است که اعمال نظارت و کنترل بر محیط تحت تصدی خود را از وظیفه‌های اصلی خود ندانند یا در عمل، آن را جزو اولویت‌های اصلی کار خود قرار ندهند، اعلام‌نشدن اعمال نظارت به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی مدیران، نبودن واحدهای حسابرسی و بازرسی کارآمد با منابع کافی در برخی دستگاه‌های اجرایی، دقت نیروی کارآمد و متخصص در بخش دولتی، توزیع نامناسب و غیرعادلانه درآمدها و امکانات اداری بین کارکنان، ضعف در ثبات مدیریت‌ها و پدیدساختن امنیت شغلی کارمندان، وجود اختیارات بیش از حد، کلی و تعریف‌نشده برای برخی مدیران و کارمندان، ضعف نظام تشویق و تنبیه مناسب اداری، ضعف در تأثیر فرهنگ سازمانی مطلوب بر فساد اداری مهمترین نواقص ممکن در ارکان بوروکراسی یک کشور هستند که زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد اقتصادی می‌باشند (قربانی، ۱۳۹۵)

۳. گسترده بودن اندازه دولت: فساد ریشه در فعالیت‌های دولت، به‌ویژه قدرت انحصاری و نفوذ اختیارات آن دارد؛ از این‌رو بین میزان فساد و چگونگی دخالت دولت در امور اقتصادی و شدت گسترش فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد (دهمرد، علی‌زاده و زیدی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۸). دولتی‌بودن اقتصاد یک کشور و گستردگی عمل دستگاه اجرایی چه در اقتصاد و دیگر عرصه‌ها جدای از تنگ‌کردن عرصه بر فعالیت‌های مردمی و پدیدآمدن عدم کارایی اقتصادی، به‌علت پیوند قدرت و ثروت ذاتاً فسادآفرین است. ممکن است مسئولان دولتی با حضور در عرصه حاکمیت باعث می‌شوند خود یا منسوبانشان از رانت‌های گوناگون اطلاعاتی و ... بهره‌مند شوند و به جای پرداختن به منافع عمومی از راه‌های گوناگون منافع اقتصادی شخصی خود را دنبال کنند. سنجه‌ها و زمینه‌های اقتصادی گوناگونی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد از جمله ناکارایی در بهره‌برداری از منابع ملی و عدم تخصیص منابع طبیعی به تولید در کنار دولتی‌بودن اقتصاد احتمال دست‌یازیدن مسئولان دولتی به ثروت‌های فراوان ناشی از منابع طبیعی به‌ویژه نفت در یک اقتصاد نفتی، از راه دخالت در

قراردادها و مناقصات و ... را به شدت افزایش می‌دهد؛ بنابراین فساد با فعالیت دستگاه‌های دولتی و به‌ویژه انحصارهای دولتی پیوند وثیقی دارد (سامتی، شهنازی و شبانی، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

۴. رانت جویی: به‌طور خلاصه رانت عبارت است از:

درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی که به لحاظ مفهومی، امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را نیز دارد. رانت در ساده‌ترین معنا سوء استفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه است، رانت به ثروت بادآورده و به هر پرداختی گفته می‌شود که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد و رانت جویی جست‌وجو برای دست‌یافتن به این درآمدهای مازاد است (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

بنابراین رانت جویی یک فعالیت سودجویانه غیرمولد مستقیم است (شکوری، ۱۳۹۷، ص ۲۵). برخی باور دارند خلأهای قانونی، ضعف یا ابهام در قوانین، اجرانشدن برخی قوانین و عدم برخورد جدی دستگاه‌های نظارتی و قضایی با مفسدان، کم‌توجهی به خشکانیدن ریشه‌های فساد و ... از عوامل مهم و اساسی در پیدایش رانت شمرده می‌شوند؛ برای مثال، مقررات بازرگانی به افراد خاصی اجازه می‌دهد که با استفاده از رابطه و ملاحظه‌های ویژه از موقعیت انحصاری خود برای انجام معامله بهره‌مند شوند و ثروت‌های بادآورده و بی‌شماری را کسب کنند. یکی از عرصه‌های فسادخیز مربوط به قراردادهای داخلی و خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و عمرانی و مراکز مهم تصمیم‌گیری پولی، مالی و بورس است (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). رانت جویی و فساد، هم‌پوشانی‌هایی فراوانی با هم دارند؛ برای مثال، رشوه‌ای که یک تنظیم‌کننده اقتصاد در ازای تخصیص یک مجوز دریافت می‌کند، هم فساد است و هم یک رفتار رانت‌جویانه (شکوری، ۱۳۹۷، ص ۲۶).

رانت‌خواران افراد حقیقی یا حقوقی‌ای هستند که بدون انجام کار مفید و حتی گاهی مضر برای اقتصاد کشور، در ازای پرداخت رشوه یا با پارتی‌بازی به امتیازنامه‌های انحصاری مانند مجوز موردی برای سهمیه وارداتی، صدور کالا، توزیع، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی، تجاری، اختصاصی‌سازی منابع و صنایع دولتی، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارز ارزان، قیمت و اعتبارات بانکی و زمین، قاچاق کالا، قانون‌شکنی و هر گونه امتیازهای دولتی، خارج از برگزاری مناقصه و ... دست می‌یابند. این عمل باعث نهادینه شدن فساد مالی، حذف وجدان کاری، گسترش قاچاق کالاهای مشمول رانت، تضعیف تولید ملی،

تبعیض ناروا و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر دوش طبقه ضعیف خواهد شد (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در میان رانت‌خواران، افراد محدودی هستند که با توسل به ابزارهایی که دیگران به آن دسترسی ندارند مانند دسترسی به قدرت سیاسی، وابستگی به افراد صاحب نفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و منابع کلان بانک‌ها و در اختیار داشتن برخی اطلاعات، استفاده از تسهیلات بخش دولتی به نفع افراد حقیقی و شرکت‌های خصوصی و ... برای کسب منافع گسترده می‌کوشند و تمام توان خود را برای حفظ و گسترش ثروت‌های هنگفت به کار می‌بندند. این عمل نوعی اشرافیت اقتصادی پدید می‌آورد که پیامد آن ناهمگونی اقتصادی، بیکاری در سطح وسیع، از بین رفتن عدالت در عرصه تولید و انباشت سرمایه در دست گروهی خاص می‌شود (همان).

۷۱

می‌توان دو نوع رانت‌جویی خصوصی (ناظر به بخش خصوصی) و عمومی (ناظر به تنظیم‌کنندگان اقتصاد، قوانین و مقررات و نیز سیاست‌های عمومی) را از یکدیگر متمایز کرد (شکوری، ۱۳۹۷، ص ۲۷). هم‌چنین در تقسیم‌بندی اولیه رانت‌ها به انواع گوناگونی مانند رانت قضایی - که هم برای بخش خصوصی و هم برای دولت متصور است هر چند حذف رانت قضایی برای دولت زمینه‌ساز امنیت بیشتر برای بخش خصوصی است - رانت اطلاعاتی - عده‌ای از راه دستیابی زودرس یا خریدن اطلاعات درباره تغییرات قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری سود کلان به دست می‌آورند؛ برای مثال، با کسب اطلاع از احداث راه آهن که باعث افزایش قیمت زمین شده پیشاپیش زمین‌ها را برای فروش در دوره گرانی می‌خرند - رانت‌خواری مؤسسه‌های به اصطلاح خیریه و رانت جهش قیمتی یا تورمی (تورم قابل پیش‌بینی حاصل از کسری بودجه دولت و ...) تقسیم می‌شود (ملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۵-۱۲). درباره رابطه رانت سیاسی و اقتصادی نیز باید گفت رانت سیاسی کوشش و رفتار فرد یا گروهی خاص برای کسب امتیازها و انحصارهای اقتصادی یا حفظ آن به وسیله اعمال نفوذ سیاسی است. بی‌تردید رانت‌جویی سیاسی با ماهیت نظام سیاسی، کارگزاران، فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و روابط قدرت ارتباطی تنگاتنگ دارند. در نظام‌هایی که درجه دموکراسی پایین است این اتفاق بیشتر رخ می‌دهد. دولت‌های رانتی برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود نوعی حامی‌پروری را از راه توزیع رانت‌ها بین اشخاص بانفوذ و گروه‌های خاص بر کشور حاکم می‌کنند. رانت‌هایی که با سازوکار سیاسی دریافت می‌شوند متنوع هستند، مانند:

صدر پروانه یا لیسانس، امتیاز انحصاری در واردات یا صادرات کالاها و محصولات، امتیاز انحصاری تولید کالای خاص، امتیاز تأسیس کارخانه، اعتبارات وام‌ها و ... (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۹).

۵. **تبانی سیاسیون با افراد پرنفوذ اقتصادی:** از دیگر زمینه‌های وقوع فساد اقتصادی تبانی نمایندگان مجلس و دیگر مسئولان اجرایی یک کشور با سرمایه‌داران پرنفوذ و پدیدساختن باندهای قدرت و ثروت است. منظور از تبانی توافق میان دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم علیه امنیت، اموال، اعراض و نفوس مردم است (حکیمی‌ها، جودکی و غنی، ۱۳۹۶، ص ۴). این سیاسیون جهت کسب آرا و جلب حمایت‌های مادی و معنوی رسانه‌ای و ... ضمن پدیدساختن فرصت رانت‌خواری برای این افراد، فرصت را برای مشارکت‌های غیرقانونی در عرصه‌های اقتصادی و ورود سیاسیون به قراردادهای اقتصادی را فراهم می‌سازند.

ب) زمینه‌های اقتصادی فساد اقتصادی

فساد اقتصادی برخلاف آن‌که مقوله‌ای در حوزه اقتصاد و انحرافی اقتصادی شمرده می‌شود اما همان‌طور که پیش از این بیان شد از حیث مقدمات و زمینه‌های شکل‌گیری، آثار و تبعات از حیثه اقتصاد خارج می‌شود؛ اما با این حال می‌توان برخی زمینه‌های اقتصادی که زمینه‌ساز فساد می‌شود را نام برد:

۱. **بی‌ثباتی پول ملی:** کاهش ارزش پول خود باعث به هم ریختن مبنا و میزان دارایی‌های مردم و بی‌ثباتی قراردادهای مالی می‌شود. باید گفت که یکی از ارکان و مقوم‌های اقتصاد، موضوع پول و شناخت موضع قوامی آن در اقتصاد است. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تُحَرِّفُهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا تُصْرِفُهُ عَنْ حَقَائِقِهِ»؛ یعنی پول لازم است در موضع حقیقی و بایسته خود به کار گرفته شود. مهم‌ترین میزان در اقتصاد، ارزش قوامی پول است که ثبات آن باعث ثبات دیگر امور می‌شود. ثبات پول به ثبات اقتصاد کلان کشور می‌انجامد. در ادبیات اقتصاد رایج نیز پول اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی و عدم تعادل اقتصادی است. کاهش ارزش آن به کاستن از ارزش اموال مردم می‌انجامد و می‌تواند زمینه‌ساز انواع مفسد پولی شود (عیوضلو، ۱۳۹۲).

۲. **ناکارایی در بهره‌برداری از منابع گوناگون ملی:** عدم مدیریت صحیح در این باره و سهل‌انگاری می‌تواند مفسد گسترده‌ای در حاشیه آن پدید آورند. برعکس کارایی در بهره‌برداری از منابع ملی به افزایش ثروت و رفاه عمومی و ملی می‌انجامد. توجه به معیار

کارایی و رعایت آن در هزینه‌کرد دستگاه‌های اجرایی می‌تواند باعث رشد اقتصادی و افزایش رفاه و توسعه اقتصادی کشور و عدم رعایت آن باعث تضییع اموال عمومی و عدم افزایش تولید و درآمد ناخالص ملی شود (همان).

۳. عدم اختصاص منابع عمومی و ثروت‌های طبیعی به تولید سرمایه‌ها و کالاهای موردنیاز جامعه: این مورد تأثیر منفی بسیار فراوانی در قوام اقتصادی جامعه دارد؛ بنابراین کارگزاران بخش عمومی باید اثربخشی فعالیت‌های خود را با این معیار بسنجند. کیفیت بالای کالاهای عمومی مانند: جاده‌ها، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌ها و ... شاخص اثربخشی مناسب کوشش‌های خادمان بخش عمومی می‌باشد؛ وگرنه علامتی است از ناکارایی و در نتیجه شبهه‌ناک بودن حقوق و پاداش آنان (همان).

۴. عدم تناسب عواید و سهم‌بری عوامل با میزان ارزش افزوده حقیقی که هر یک از این عوامل پدید آوردند: این مورد نیز معیار بسیار مهمی از عدم تحقق عدالت اقتصادی در جامعه است. علت‌العلل بسیاری از نارضایتی‌ها در جامعه از این احساس ناشی می‌شود که افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده در فعالیت اقتصادی درآمد یا عایدی به‌دست آمده خود را با زحمتهایی که متقبل شده‌اند متناسب ندانند. در صورتی که محصول میان صاحبان نهاده‌ها به‌گونه‌ای توزیع شود که هر یک به اندازه مشارکت خود در تولید سهم ببرند این‌گونه توزیع از نظر اسلام عادلانه تلقی می‌شود (کرمی، ۱۳۸۹، ص ۲).

۵. عدم تنظیم ساختار مناسب اقتصادی برای اجرایی‌شدن حقوق عامه و عدالت اقتصادی: از دیگر عوامل بروز فساد است که کارگزاران نظام اقتصادی باید به آن توجه کنند. بر این مبنا تنظیم ساختار مناسب برای بخش پول و بانکداری، بیمه، مالیات و مانند آن از مسئولیت‌های عمده این کارگزاران شناخته می‌شود. با این مبنا با کارآمدی این ساختارها نظام اقتصادی پیامدهای اقتصادی مورد انتظار و تعریف‌شده در قانون اساسی و دیگر قوانین اصلی را محقق خواهد کرد که دلیلی است بر ضرورت قدردانی از مسئولان و در غیر این صورت شاهدهی است بر ناکارآمدی و کوتاهی آنان در انجام وظایف اصلی خود (عیوضلو، ۱۳۹۲).

۶. مثلث شوم احتکار، کنز و سفته‌بازی: صاحب‌نظران اقتصادی، عالمان و فقیهان عظام شایسته است همواره مردم را از مصادیق این مثلث شوم آگاه سازند و خطرات خانمان‌سوز این نوع رفتار را گوشزد کنند. یکی از مهمترین مصادقات‌های سفته‌بازی در زمان کنونی

نگهداری ارز، طلا و ... با توجیه حفظ ارزش دارایی‌هاست. درآمدهایی که از این راه‌های به‌دست می‌آیند با اصول اسلامی مطابق نداشته و در نظام اقتصادی اختلال جدی پدید می‌آورد زیرا کسانی که از این روش‌ها برای کسب درآمد استفاده می‌کنند ممکن است با انجام معامله‌های صوری، چرخش شایعات و تبانی، احتکار و ... بر قیمت بازار اثر گذاشته آن را به نفع خود تغییر دهند. بی‌تردید در اسلام، هر فعالیتی که به تغییر مصنوعی قیمت کالا یا تحصیل مال نامشروع بینجامد ممنوع است (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۲).

۷. اقتصاد نفتی (وابسته به منابع طبیعی): سطوح بالای فساد بیانگر واضح‌ترین مخاطره سیاسی است که می‌تواند از دارایی‌های بزرگ منابع طبیعی ناشی شود. موجودی کوتاه‌مدت دارایی‌های بزرگ مالی فرصت دزدی چنین دارایی‌هایی را به‌وسیله صاحبان قدرت و سیاست‌مداران فراهم می‌آورد. آن‌هایی که این دارایی‌ها را کنترل می‌کنند می‌توانند از این ثروت برای حفظ خود در قدرت یا کسب سود شخصی استفاده کنند و این کار را می‌توانند چه از به‌وسیله ابزارهای قانونی یا غیرقانونی انجام دهند. هم‌چنین وابستگی اقتصاد یک کشور به نفت و گاز و منابع طبیعی دیگر می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و حتی مستقیم بر پدیدآمدن مفاسد بزرگ اثرگذار دوچندان داشته باشد. تأثیر مخاطره‌های سیاسی بر فساد وقتی بدتر می‌شود که رشد بخش نفت و گاز با رشد تمرکز قدرت دیوان‌سالاری تلفیق می‌شود (عیوضلو، ۱۳۹۲). از سویی فساد از مشخصه‌های تجارت نفت و گاز است اما وابستگی به نفت و گاز همان‌طور که بیان شد به‌صورت غیرمستقیم بر فساد اثر می‌گذارد. در ایران هم‌چون بسیاری از کشورهای دیگر تولیدکننده نفت، وجود ثروت نفت و گاز باعث شکل‌گیری ساختارهای ضعیف دولت شده که انجام اقدام‌های فاسد را برای مقام‌های دولتی به‌شدت آسان کرده است (راغفر، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

ج) زمینه‌های حقوقی و قانونی فساد اقتصادی

۱. ضعف و خلأ در قوانین: گاهی فساد به این جهت رخ می‌دهد که از حیث قوانین حقوقی اشکال‌های عدیده‌ای وجود دارد. این اشکال گاهی به این جهت است که اساساً در برخی مسائل مانند مسائل پولی و بانکی که می‌تواند درگاه بسیاری از مفاسد اقتصادی باشد قوانین لازم وجود ندارند یا این قوانین به‌علت قدیمی بودن پاسخ‌گوی زمان حاضر نیستند و همین

عامل باعث می‌شود در عین وجود قوانین فساد رخ دهد که به آن فساد قانونی نیز می‌گویند؛ بنابراین خلأ و ضعف در قوانین می‌تواند یکی از زمینه‌ها باشد (قربانی، ۱۳۹۵).

۲. **تعارض قوانین:** گاهی بین قوانین تعارض وجود دارد و باعث می‌شود دو قانون در عرض یکدیگر قرار گرفته و در مقام اجرا اشکال‌هایی پدید آورد و بالاتر آن‌که در صورتی که مسئولان صالحی وجود نداشته باشند از این فرصت جهت دست‌یابی به منافع اقتصادی خود سوءاستفاده کنند. گاه محدودیت‌های قانون‌گذاری و عدم احاطه قانون‌گذار بر تمام مسائل اجتماعی، سبب اجمال، تعارض و سکوت در قوانین شده و تفسیر و کشف مراد قانون‌گذار را سخت می‌سازد (فیض و مسجد سرای، ۱۳۹۴، ص ۲).

۳. **ابهام و عدم شفافیت قوانین:** عدم شفافیت قوانین و فرایندها و ابهام در قوانین می‌تواند زمینه‌ساز تفسیرهای متفاوت از قانون در مقام اجرا و دورزدن قانون را از سوی مسئولان فراهم سازد و فساد را از حیث نظری و عملی تقویت کند. براساس قاعده قطعیت حقوقی، اشخاص باید امکان پیش‌بینی پیامدهای حقوقی اعمال خویش را داشته باشند. به بیان دیگر، آن‌ها باید بتوانند پیش‌بینی کنند که اقدام‌هایشان با چه واکنشی از سوی دولت و قوه قضاییه روبه‌رو خواهد شد؛ در غیر این صورت ابهام و عدم شفافیت زمینه‌ساز فساد می‌شود (امام‌وردی، ۱۳۹۵، ص ۴).

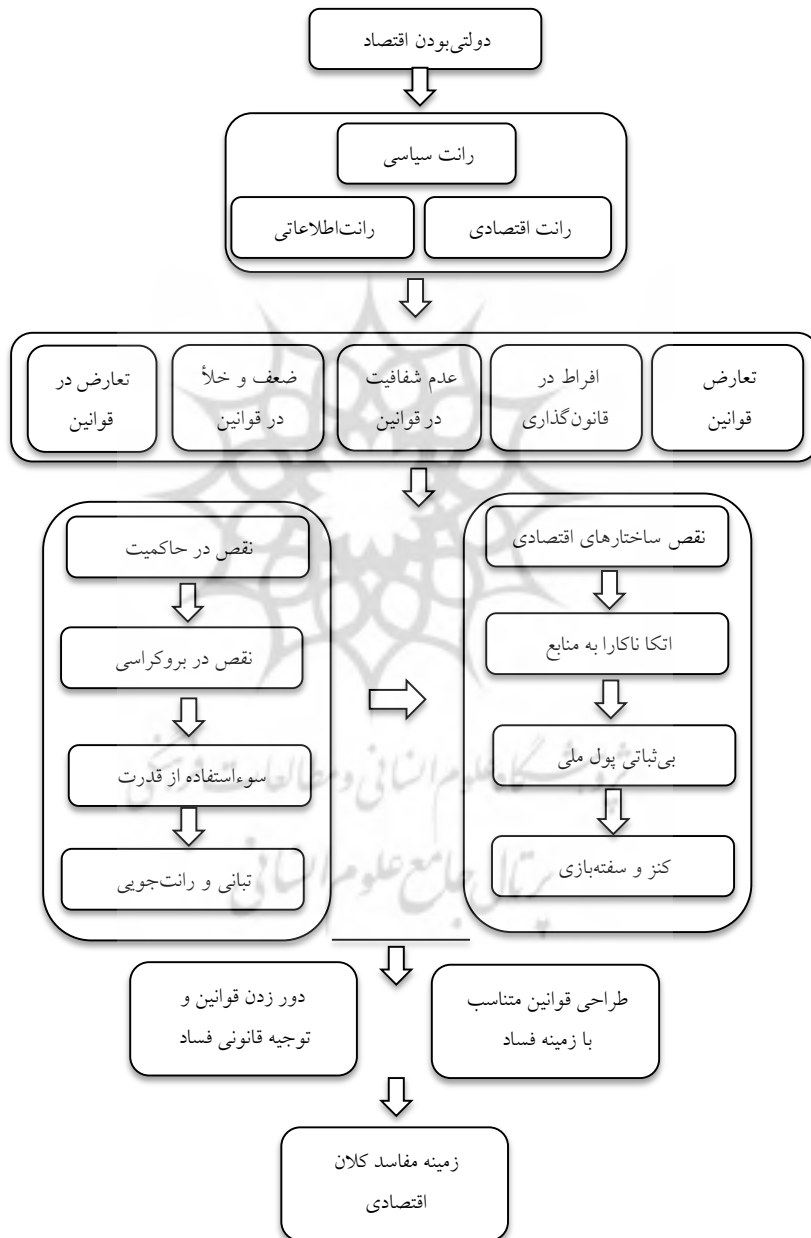
۴. **عدم عزم جدی در اصلاح قوانین ناقص و مبهم:** این عامل که قانون‌گذاران یک کشور در عین مشاهده مشکلات موجود در قوانین و سرریز این مشکلات در پدید آمدن مفاسد گسترده اقتصادی عزمی جدی در تدوین و اصلاح قوانین ندارند می‌تواند این شائبه را پدید آورد که چه‌بسا خود قانون‌گذاران به‌طوری مفسدانه از این ضعف در جهت دست‌یابی به منافع اقتصادی خود بهره‌برداری می‌کنند و چندان میلی به اصلاح و تدوین قوانین ندارند (قربانی، ۱۳۹۵).

۵. **افراط در قانون‌گذاری:** گاهی افراط در وضع قوانین و محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی از راه این قوانین به‌صورت بالقوه زمینه را برای بروز فساد فراهم می‌سازد چرا که گاهی همین قوانین دست‌وپاگیر و اضافی، سد راه فعالیت‌های سالم فعالان اقتصادی شده و آن‌ها برای عبور از این وضعیت ناچار به تخلف و فساد هستند (خدادادحسینی و فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۶).

د) الگوی شماتیک ربط و نسبت زمینه‌های گوناگون

طبق الگوی زیر، ربط و نسبت عوامل گوناگونی که شکل‌دهنده زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و حقوقی هستند بررسی می‌شود.

شکل ۳: الگوی شماتیک ربط و نسبت زمینه‌های گوناگون شکل‌گیری فساد اقتصادی



براساس این الگو، دولتی بودن فضای اقتصاد و سلطه دستگاه اجرایی بر درگاه‌های گوناگون اقتصادی، زمینه را جهت پدید آمدن رانت‌های گوناگون اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی فراهم می‌سازد؛ در این بین طیف حاکمیتی و سرمایه‌داران پرنفوذ با سوءاستفاده از ضعف‌های قانونی، عدم شفافیت در قوانین و امکان تفسیر به رأی در قوانین و وجود قوانین متعارض که عوامل حقوقی شمرده می‌شوند می‌توانند به راحتی قوانین دست‌وپاگیر را دور می‌زنند. از طرفی مسئولان و مدیران سوءاستفاده‌گر با پشتیبانی مالی سرمایه‌داران پرنفوذ به بهای رانت‌های گوناگون، با دنبال کردن منافع شخصی، از دوگانگی در حاکمیت و بروکراسی که مورد تبیین قرار گرفت نهایت استفاده را می‌کنند و با تبانی، سود سرشاری را نصیب خود می‌کنند. در این میان اتکا به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به‌ویژه نفت باعث می‌شود فضای مناسبی برای رانت‌جویان، سرمایه‌داران پرنفوذ، مسئولان، مدیران کلان و وابستگان آن‌ها با تبانی و لابی‌گری و سوءاستفاده از ضعف موجود در ساختارهای اقتصادی مفاسد کلانی را رقم می‌زنند؛ بی‌ثباتی پول ملی، کنز و سفته‌بازی نیز به نوبه خود زمینه انواع قاچاق کالا و ارز را فراهم می‌سازد. هم‌چنین در صورتی که سلطه چنین افرادی در فضای اقتصادی افزون شود با اعمال نفوذ مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند قوانین متناسب با منافع خود را طراحی کنند که در این صورت مفاسد سازمان‌یافته لان رخ خواهد داد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر چند تفکیک عوامل و زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و حقوقی- قانونی بروز فساد اقتصادی کار چندان دقیقی نیست. پیوستگی بسیار فراوان عوامل با هم نشان‌دهنده این واقعیت است که وقوع فساد اقتصادی فقط ظاهر قضیه می‌باشد و در پس پرده آن عوامل گوناگونی قرار دارند که بیشتر به جای پرداختن به آن عوامل زمینه‌ساز به سطح و ظاهر فساد تحقق‌یافته توجه می‌شود. از سوی دیگر بیشتر به زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی توجه شده و زمینه فرهنگی که ریشه تمام این مشکلات است مورد غفلت واقع می‌شود؛ بنابراین جهت رفع ریشه تمام این مشکلات در عین رفع موانع سیاسی، اقتصادی و حقوقی لازم است موانع فرهنگی موجود به دقت بررسی و حل و فصل شود. طمع‌کاری، حرص‌ورزی، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری از جمله زمینه‌های فرهنگی، دوگانگی نظری و عملی در بین

قوای حاکمیتی، نقص در ارکان بوروکراسی و بدنه مدیریتی و اجرایی، گسترده بودن اندازه دولت، رانت‌جویی و تبانی سیاسیون با افراد پرنفوذ اقتصادی از جمله زمینه‌های سیاسی، بی‌ثباتی پول ملی، ناکارایی در بهره‌برداری از منابع گوناگون ملی، عدم اختصاص منابع عمومی و ثروت‌های طبیعی به تولید سرمایه‌ها و کالاهای موردنیاز جامعه، عدم تناسب عواید و سهم‌بری عوامل با میزان ارزش افزوده حقیقی که هر یک از این عوامل پدید آورده‌اند، عدم تنظیم ساختار مناسب اقتصادی برای اجرایی شدن حقوق عامه و عدالت اقتصادی، مثلث شوم احتکار، کنز و سفته‌بازی و اقتصاد نفتی (وابسته به منابع طبیعی) از جمله زمینه‌های اقتصادی، ضعف و خلأ در قوانین، تعارض قوانین، ابهام و عدم شفافیت قوانین و عدم عزم جدی در اصلاح قوانین ناقص و مبهم از جمله زمینه‌های حقوقی و نبود نظام یکپارچه شفافیت و زیرساخت‌های اجتماعی لازم از جمله زمینه‌های اجتماعی وقوع فساد اقتصادی شمرده می‌شوند.

منابع و مأخذ

۱. آذری‌متین، افشین؛ «جرم پورسانت در حقوق کیفری ایران»؛ مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۱، ۱۳۸۶.
۲. اسحاقی، سیدحسین؛ «نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران»؛ نشریه رواق اندیشه، ش ۴۵، ۱۳۸۴.
۳. اصفهانی، پوریا؛ «اثر ترکیب فعالیت‌های اقتصادی بر فساد: مطالعه کشورهای در حال توسعه»؛ نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۲۷، ۱۳۹۶.
۴. آفتابی، مجید؛ علل و زمینه‌های فساد مالی و راهکار مبارزه با آن»؛ ۱۳۹۱، پایگاه خبری گفتگو نیوز <http://www.goftogoonews.com/pages/News--6455.aspx>
۵. امام‌وردی، محمدحسن؛ «ابهام‌زدایی از طریق ویرایش قوانین»؛ نشریه حقوق خصوصی، ش ۲۹، ۱۳۹۵.
۶. الانی، یوسف؛ «مبارزه با فساد اقتصادی»؛ سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد، تربت حیدریه: دانشگاه تربیت حیدریه، ۱۳۹۵.
۷. جعفرپور صادق، الهام و اعظم عدالت‌جو؛ «فساد مالی و راهکارهای پیش‌گیری از آن»؛ نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۲، ۱۳۹۲.

۸. جعفریه، زهراسادات و حبیب‌الله طاهرپور کلانتری؛ «شناسایی عوامل مؤثر بر پیش‌گیری از تمایل بر وقوع تخلفات مالی در سازمان امور مالیاتی کشور»؛ نشریه فرایند مدیریت و توسعه، ش ۹۲، ۱۳۹۴.
۹. حکیمی‌ها، سعید؛ جودکی، بهزاد و کیوان غنی؛ «بررسی جرم تبانی در حقوق کیفری ایران و امریکا»؛ نشریه مطالعات حقوقی، ش ۲، ۱۳۹۶.
۱۰. خداپرست‌مشهدی، مهدی و سپیده حقی؛ «اقتصاد مقاومتی و مبارزه با فساد در ایران و کشورهای منطقه منا»؛ همایش ملی مدیریت توانمندی‌ها در اقتصاد ایران، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۹۲.
۱۱. خداپرست‌مشهدی، مهدی و عبدالکریم کردی؛ «تأثیر ترکیبات گوناگون فساد بر جذب سرمایه در کشورهای هم‌تراز سطح توسعه ایران»؛ نشریه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ش ۲۵، ۱۳۹۷.
۱۲. خدیوی‌رفوگر، سعید و علی‌اصغر هادوی‌نیا؛ «مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با رویکرد نهادگرایی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۶۶، ۱۳۹۶.
۱۳. دقیقی‌اصلی، علی‌رضا؛ گرایبی‌نژاد، غلام‌رضا و سلین آقابگیان؛ «اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط»؛ نشریه فرایند مدیریت و توسعه، ش ۸۶، ۱۳۹۲.
۱۴. دل‌انگیزان، سهراب؛ شریف‌کریمی، محمد و زینب خالوندی؛ «بررسی اثر شاخص دانش‌بنیانی اقتصاد بر رابطه درک فساد مالی و رشد (ره‌یافت داده‌های تابلویی پویا)»؛ نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۱۵، ۱۳۹۳.
۱۵. راغفر، حسین؛ «اقتصاد سیاسی فساد»؛ نشریه مجلس و پژوهش، ش ۵۸، ۱۳۸۷.
۱۶. رحمانی، تیمور و پوریا اصفهانی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد با تأکید بر ترکیب فعالیت‌های اقتصادی، مطالعه کشورهای در حال توسعه»؛ نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۷۸، ۱۳۹۵.
۱۷. رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل‌الله و غلام‌رضا زال‌پور؛ «بازشناسی عارضه فساد مالی؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

۱۸. زنوز، بهروز هادی؛ جزوه موانع ساختاری و نهادی رشد پایدار اقتصادی در ایران؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.
۱۹. سامتی، مرتضی؛ شهنازی، روح‌الله و زهرا دهقان‌شبانلی، زهرا؛ «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی»؛ نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۸، ۱۳۸۵.
۲۰. سپهردوست، حمید و سمانه ابراهیم‌نسب؛ «اثر کنترل فساد اداری - مالی بر توسعه مالی بازار بیمه عمر»؛ نشریه پژوهشنامه بیمه، ش ۱۲۱، ۱۳۹۵.
۲۱. سپهردوست، حمید و عادل برجسیان؛ «تأثیر متغیرهای زمینه‌ای دموکراسی بر کنترل فساد اقتصادی؛ با تأکید بر حقوق مالکیت؛ نشریه پژوهش‌های پولی - بانکی، ش ۲۹، ۱۳۹۵.
۲۲. سپهردوست، حمید؛ فطرس، محمدحسن و عادل برجسیان؛ «بررسی مقایسه‌ای کانال‌های تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در اقتصادهای رانتی و غیررانتی»؛ نشریه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ش ۱، ۱۳۹۵.
۲۳. سعیدی، علی؛ قربانی، عبدالعظیم و محمدعلی صفوی‌پور؛ «تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی بسیج جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان»؛ کنگره ملی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۳.
۲۴. شقاقی شهری، وحید و محمدحسین کریم؛ «اثرات فساد مالی بر درون‌زایی اقتصاد ایران در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۳۹۵.
۲۵. شکوری، محمداسماعیل؛ تأثیر پدیده رانت جویی در سه شکل فساد، رشوه و لابی‌گری بر بهره‌وری (مطالعه موردی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان تهران) در راستای تحقق بندهای ۱۹ و ۲۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۷.
۲۶. صبوری‌کاشانی، منوچهر؛ بوروکراسی مدرن ایران؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۲۷. عزتی، مرتضی؛ سیف، الله‌مراد؛ مهرگان، نادر و مجتبی ملک‌شهریور؛ «اثر کوتاه‌مدت و بلندمدت درآمدهای نفتی بر فساد اقتصادی در ایران»؛ نشریه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ش ۲، ۱۳۹۵.
۲۸. علوی‌لنگرودی، سیدحسین؛ فساد: «ریشه‌ها، پیامدها و درمان‌ها»؛ نشریه بانک و اقتصاد، ش ۱۱۶، ۱۳۹۰.
۲۹. عیوضلو، حسین؛ فساد اقتصادی و بازمهندسی ساختارها؛ پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲.

۳۰. فرهمند معین، حامد و مهدی زرننگ؛ «تبیین جایگاه فساد اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی»؛ چهارمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، حسابداری و مدیریت، کوالالامپور: مؤسسه پژوهشی پندار همایش پارس، دانشگاه علم و صنعت واحد نور، ۱۳۹۵ منتشر شده در https://www.civilica.com/Paper-ICMEA04-ICMEA04_037.html
۳۱. فیض، زهرا و حمید مسجد سرایی؛ «کاربرد دلالت نهی بر فساد در تفسیر قوانین»؛ نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۲، ۱۳۹۴.
۳۲. قربانی، عبدالعظیم؛ «فسادزایی و فسادزدایی از اقتصاد ایران»؛ نشریه پدافند اقتصادی، ش ۲۲، ۱۳۹۵.
۳۳. قلی‌پور، مریم و مصطفی علمی مقدم؛ «مبارزه با فساد اقتصادی در اقتصاد مقاومتی»؛ اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل، ساری: شرکت علمی پژوهشی باران اندیشه، ۱۳۹۵.
۳۴. کرمی، محمدحسین؛ «توزیع درآمد حاصل از فرایند تولید از نظر نئوکلاسیک‌ها و برخی اندیشمندان اسلامی»؛ نشریه جستارهای اقتصادی، ش ۱۴، ۱۳۸۹.
۳۵. مداح، مجید و زینب محمدنیا سروری؛ «بررسی رابطه بین فساد اقتصادی، اقتصاد سایه‌ای و آلودگی محیط‌زیست در کشورهای منتخب اوپک (ره‌یافت لیزرل)»؛ نشریه اقتصاد مقداری، ش ۴، ۱۳۹۵.
۳۶. مشفق، محمدعلی؛ «آسیب‌شناسی اجتماعی فساد اداری و اقتصادی در ایران»؛ نشریه پژوهشنامه، ش ۵۲، ۱۳۸۹.
۳۷. مقصودی، حمیدرضا و احسان ولدان؛ طراحی الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی برای تحقق اقتصاد مقاومتی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۹۴.
۳۸. ملکی، بهنام؛ «فساد و رانت‌خواری»؛ نشریه افق، ش ۳۵، ۱۳۸۰.
۳۹. موسایی، میثم؛ «نقش فرهنگ بر الگوی مصرف»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۴، ۱۳۸۸.
۴۰. میرمعزی، سیدحسین؛ «بورس‌بازی از دیدگاه فقه»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۹، ۱۳۸۲.

۴۱. میری آشتیانی، الهام؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی ایران؛ تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۲.

۴۲. ناعمه، حسن؛ «شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران»؛ نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۴، ۱۳۹۰.

۴۳. نظری‌نژاد، محمدرضا و خشایار اسفندیاری‌فر؛ «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»؛ پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱۳، ۱۳۹۵.

۴۴. وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ دهقان، حبیب‌الله و فرهاد فضیلت؛ «عوامل مؤثر در کاهش فساد اداری و مالی و ابعاد آن در سازمان‌های دولتی منتخب»؛ نشریه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ش ۱۷، ۱۳۹۳.

